

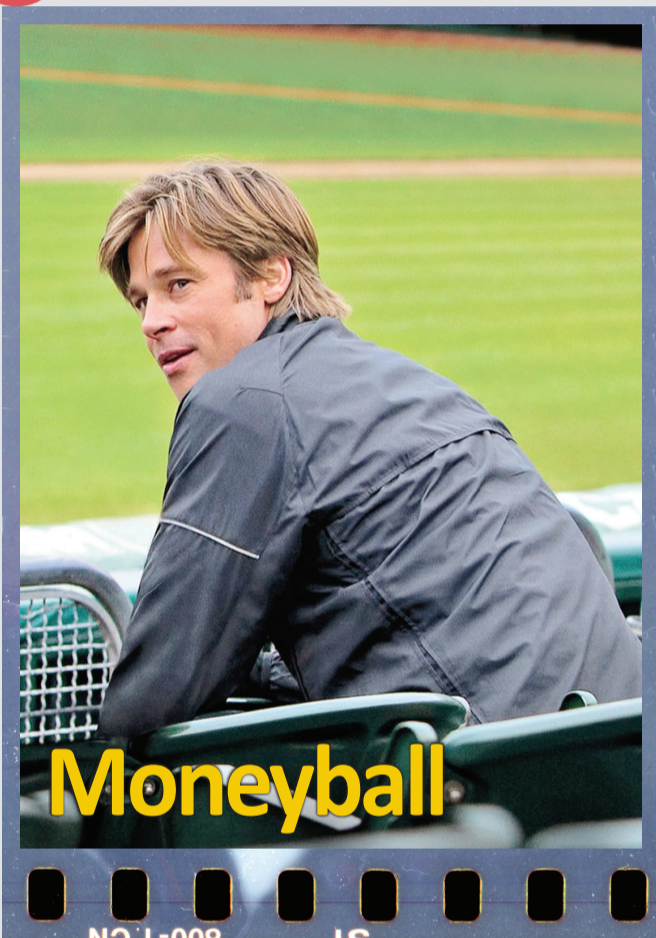
چند فیلم ورزشی که دیدنشان انگیزه رسیدن به هدف را در بیننده بیدار می‌کند

موفقیت و شکست معنای پیدا کردن زندگی با

ما می‌گوییم. همچنین فیلم‌های ورزشی گاهی اوقات تنها به مضامین ورزشی بسنده نمی‌کنند و با به تصویر کشیدن داستان‌هایی عموماً واقعی و تأثیرگذار، روایت خود را به زندگی اجتماعی پیوند می‌زنند. پس بد نیست هر از چند گاهی در میان فیلم‌های ژانرهای مختلف، نگاهی به فیلم‌های ورزشی بیندازیم و انگیزه‌های مان برای رسیدن به اهداف مان را بالا ببریم.

معطوف کردن توجه‌شان به زندگی ورزشکاران و مسیری که می‌پیمایند، درون خودشان حس می‌کنند. شوق و رسیدن به هدف را دارند. بعضی از این فیلم‌ها میل به رقابت و مبارزه را درون بیننده بیدار می‌کنند و بعضی دیگر انگیزه‌های شخص برای مدیریت و خودسازی را به تصویر می‌کشند. به همین خاطر تماشای فیلم‌های ورزشی وای لذت تماشای فیلم، نکات ریز و مهمی درباره زندگی به

احمد محمدتبریزی / زندگی ورزشکاران حرفه‌ای یا چگونگی مدیریت یک تیم برای بسیاری از مردم جذابیت زیادی دارد. ورزشکاران حرفه‌ای با تمرین‌ها و مشقت‌های زیادی که متحمل می‌شوند، خودشان را از دیگران جدا می‌کنند و با تمرین زیاد به مراحل بالایی در ورزش می‌رسند. رسیدن به چنین جایگاهی ساده نیست و هر کسی توان دستیابی به آن را ندارد. فیلم‌های ورزشی با



Moneyball

تیم، بودجه کمی دارد و بین باید تیمش را بر اساس همین بودجه ببندد. پس او با توجه به محدودیت‌هایش، به جای اینکه سراغ بازیکنان مطرح و گرانبه‌تر برود، با کمک یک آنالیزور حرفه‌ای، سراغ بازیکنانی می‌رود که با وجود داشتن استعداد، دست‌کم گرفته شده‌اند و قیمت پایینی دارند. بین، تیمش را با استفاده از همین بازیکنان می‌بندد و در طول فصل به رکوردی شگفت‌انگیز در تاریخ بیسیال جهان می‌رسد. تیم اوکلند با ۲۰ برد پی‌درپی، تمام رقبا را از پیش رو برمی‌دارد و خودش را به فینال مسابقات می‌رساند. آوازه شگرذ مدیریتی بین، در میان تیم‌های ورزشی می‌پیچد و او را به عنوان مدیری با استراتژی‌های خاص مشهور می‌کند.

مانیبال (Moneyball)
ستاره فیلم: برد پیت
کارگردان: بنت میلر

«مانیبال» نه تنها درباره ورزش، بلکه درباره مدیریت و کارآفرینی صحبت می‌کند. فیلم با یک جمله از قهرمان افسانه‌ای بیسیال امریکا شروع می‌شود: «باور کردنی نیست که درباره بازی که تمام عمرت کرده‌ای، چقدر کم می‌دانی.» این جمله، به مخاطبان فیلم می‌گوید، حتی دریاچه آنچه انجام داده‌اید و تصور می‌کنید در آن تجربه کافی دارید هم، شاید در اشتباه باشید. این فیلم نیز با اقتباس از زمانی بیوگرافی ساخته شد و خیلی زود پس از اکران در میان عموم مردم و علاقه‌مندان به ورزش‌های دیگر هم طرفدار پیدا کرد. فیلم، داستان مدیر یک تیم بیسیال را به تصویر می‌کشد که تمام تلاش خودش را می‌کند تا تیم را از بحران و ناکامی نجات دهد. آنچه که فیلم را بیش از اندازه تماشایی می‌کند، راهکار شخصیت اصلی فیلم به نام بیلی بین است. او مدیر تیم بیسیال اوکلند شده و این تیم نه تنها فصلی فاجعه‌بار را پشت سر گذاشته بلکه در انتهای فصل، سه بازیکن اصلی خودش را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی یک مدیر برای موفقیت باید چه کار کند؟ بیلی بین نشان می‌دهد چگونه با استفاده از کوچکترین فرصت‌ها، بزرگترین موفقیت‌ها را رقم زد.

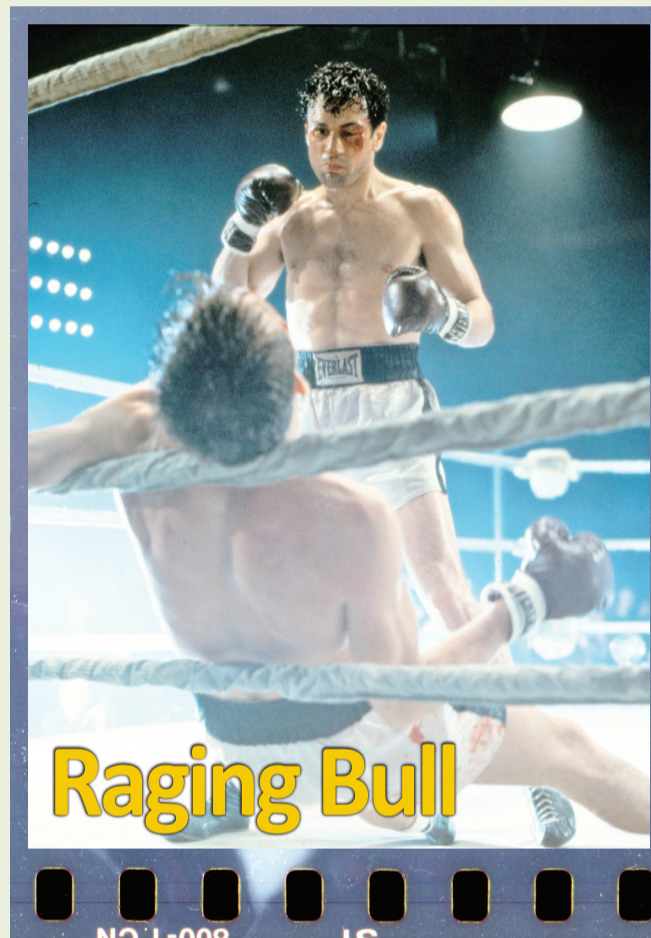


The Way Back

موفقیت در ورزش، باید ابتدا روی خودش کار کند. آغاز تغییرات در زندگی شخصی جک، او را در زمینه مدیریت تیم به موفقیت‌های زیادی می‌رساند. هراندازه که جک از الکل و زندگی ناسالم قبلی‌اش فاصله می‌گیرد، به همان اندازه در ورزش موفق می‌شود. او روحیه جنگندگی و مبارزه را بین بازیکنان مدرسه می‌آورد و آنها را از تیمی ضعیف به تیمی مدعی تبدیل می‌کند. جک، استعداد نهفته بازیکنان را کشف می‌کند، به آنها اعتماد به نفس می‌دهد و نظم و انضباط را به آنها می‌آموزد. هرچند جک در ادامه، اعتیادش به الکل را از سر می‌گیرد، ولی پیش آمدن چند اتفاق تلخ، باعث می‌شود تا برای همیشه به خودش بیاید و دوباره ورزش کردن را از سر بگیرد. «راه بی بازگشت» نشان می‌دهد موفقیت در ورزش به این راحتی به دست نمی‌آید و برای دستیابی به آن، باید سخت تمرین کرد، منضبط بود و زندگی سالمی داشت.

راه بازگشت (The Way Back)
ستاره فیلم: بن افلک
کارگردان: کاوین اوکانر

چه چیزی بهتر از ورزش می‌تواند زندگی از هم فروپاشیده یک بازیکن قدیمی را دوباره جمع و جور کند و او را به زندگی برگرداند؟ جک کانینگهام در دوران دبیرستان، ستاره بسکتبال مدرسه بوده و برای تیم مدرسه‌اش افتخارآفرینی کرده است؛ اما زندگی جک پس از مدرسه، با مواد و مشروب درآمیخته می‌شود و او را از زندگی حرفه‌ای و سالمش دور می‌کند. در این میان حادثه‌های تلخ و ناگوار مثل مرگ فرزند هم کافی است تا جک را به یک دائم‌الخمر تبدیل کند. شخصیت افسرده و معتاد به الکل جک، هیچ راه‌گیزی به خود نمی‌بیند تا اینکه به او پیشنهاد می‌شود مربیگری تیم بسکتبال مدرسه را برعهده بگیرد. او ابتدا با کمال بی‌میلی این پیشنهاد را می‌پذیرد ولی در ادامه، کار با بچه‌های دبیرستان به بخش مهمی از زندگی‌اش تبدیل می‌شود. جک در شروع مربیگری، تغییری در زندگی‌اش به وجود نمی‌آورد. اعتیاد به الکل همچنان در زندگی‌اش نقش دارد و همین باعث می‌شود تا در کار مربیگری‌اش نیز نتواند موفقیت خاصی به دست بیاورد. او متوجه می‌شود برای



Raging Bull

دوربین قرار گرفت و یکی از بهترین فیلم‌هایش را کارگردانی کرد. «گاو خشمگین» با ظرافت زیادی وارد زندگی یک ورزشکار حرفه‌ای می‌شود و چالش‌ها و روابط او را به تصویر می‌کشد. فیلم نشان می‌دهد رسیدن به عنوان قهرمانی در ورزش به این سادگی‌ها نیست و ورزشکار باید سختی‌های زیادی را متحمل شود. تحمل فشارهای ناشی از تمرین‌ها و مبارزه‌ها، تأثیرش را روی زندگی شخصی ورزشکار هم می‌گذارد و از او انسانی پرخاشگر و خشمگین می‌سازد.

گاو خشمگین (Raging Bull)
ستاره فیلم: رابرت دنیرو
کارگردان: مارتن اسکورسیزی

این فیلم بر اساس کتاب «گاو خشمگین» که زندگینامه جیک لاموتا، مشت‌زن میان‌وزن آمریکایی است، ساخته شد. رابرت دنیرو پس از مطالعه کتاب، ایده اقتباس و ساخت فیلمی بر اساس کتاب را به مارتن اسکورسیزی پیشنهاد داد و پس از تأیید آقای کارگردان، پل شیردر و مادریک مارتن در دو هفته فیلمنامه «گاو خشمگین» را نوشتند. از نگاه بسیاری از منتقدان، «گاو خشمگین» بهترین فیلم ورزشی تاریخ سینما به شمار می‌رود. رابرت دنیرو برای بازی در این فیلم، ۲۵ کیلوگرم وزنش را افزایش داد تا به لحاظ فیزیکی بیشتر به یک بوکسور شبیه شود. اسکورسیزی در نهایت استادی و مهارت، پشت

است که ارزش فیلم را زیاد می‌کند و بیننده را وارد زندگی حرفه‌ای و خصوصی یک ورزشکار حرفه‌ای می‌کند. نکته جالب درباره بازی دنیرو در «گاو خشمگین» اینجاست که وقتی جیک لاموتای واقعی با دنیرو در پشت صحنه مواجه می‌شود، ادعا می‌کند که دنیرو در حال حاضر یکی از ۲۰ بوکسور اول جهان است. همین تمرینات و سختی‌هایی که دنیرو برای این فیلم کشید، تأثیر مهمی در باورپذیر شدن داستان فیلم داشت.

